



MLJ

مجله حقوق پزشکی

دوره پانزدهم، شماره پنجاه و ششم، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مقاله پژوهشی

بازشناسی ضرورت‌های شرعی ثبت و امکان دسترسی به اطلاعات اهدای گامت و جنین

محمد صحرایی اردکانی^{*۱}، حسین خدایار^۲، مرضیه هنرور^۳

۱. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.
۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در دنیای امروز با پیشرفت علم، امکان بارورسازی زوجین نابارور با به کارگیری روش‌های مختلف فراهم شده است. برخی از این روش‌ها با دخالت فرد یا افراد دیگری غیر از زوجین و از طریق اهدای گامت (اسپرم یا تخمک) و جنین انجام می‌گیرد. از گذشته در نظام‌های حقوقی مختلف این اهدا به صورت گمنام و محرمانه صورت می‌گرفته است و ثبت یا گمنامی اطلاعات این اهدا، مورد مناقشه صاحب‌نظران پزشکی و حقوق بوده است. قوانین بسیاری از کشورها امروزه به سمت لزوم ثبت اطلاعات و امکان دسترسی به آن گرایش پیدا کرده است، اما مقررات نظام حقوقی ایران در این زمینه علاوه بر ابهامات و کمبودها، به گمنامی اهدا گرایش دارد.

مواد و روش‌ها: این مقاله با رویکرد تحلیلی و با به کارگیری روش اسنادی و با بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است.

یافته‌ها: این پژوهش، با بررسی سیر تحولات نظام‌های حقوقی کشورها در این زمینه و همچنین بررسی اهم ادله‌ی موافقان و مخالفان ثبت اطلاعات، عقلاً لزوم و ضرورت ثبت اطلاعات و امکان دسترسی به آن را اثبات نموده است.

ملاحظات اخلاقی: تمامی مقاله با پایبندی به اصل اخلاقی صداقت و رعایت اصل امانت تدوین شده است.

نتیجه‌گیری: این پژوهش، بر اساس موازین فقه اسلامی، از جمله لزوم حفظ حقوق فطری مبتنی بر نسب، ضرورت احتیاط در فروج و جلوگیری از اختلاط انساب و نیز لزوم موافقت قطعی با مقصود شارع، بدین نتیجه رسیده است که شرعاً ثبت این اطلاعات لازم است تا در مواقع ضروری مخصوصاً حفظ حقوق کودک متولدشده از این روش‌ها، امکان دستیابی بدان فراهم باشد و بر این اساس تجدیدنظر اساسی در مقررات داخلی اجتناب‌ناپذیر است.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۸/۰۸

واژگان کلیدی:

ثبت اطلاعات

اهدای گامت

اهدای جنین

ناباروری

فقه

* نویسنده مسئول:

محمد صحرایی اردکانی

آدرس پستی: ایران، اردکان، دانشگاه اردکان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

کد پستی: ۸۹۵۱۸-۹۵۴۹۱

تلفن: ۳۵-۳۳۹۰۰۰۰۰

پست الکترونیک:

m.sahraei@ardakan.ac.ir

۱. مقدمه

امروزه با پیشرفت علم پزشکی، برای معضل ناباروری زوجین راه‌حل‌های روزافزونی کشف می‌شود. روش‌های مختلفی که می‌تواند بسیاری از مشکلات همسران را در این زمینه حل کرده و آنها را صاحب فرزندانی از خود کند. در برخی از این روش‌ها، از آنجا که زمینه‌ی باروری زوجین، بدون حضور و دخالت شخص ثالث، تسهیل می‌شود، چالش‌های بعدی فقهی و حقوقی از حیث تعیین والدین حقیقی و حقوق طفل مورد نظر را به دنبال نخواهد داشت. اما در بعضی دیگر از این روش‌ها، مانند استفاده از رحم جایگزین به علت حضور کمکی یک شخص ثالث در فرآیند باروری و یا مانند اهدای گامت (اسپرم با تخمک) و یا اهدای جنین که اساساً فرد یا افراد دیگر، نقش کاملی در فرآیند باروری دارد، چالش‌های بسیاری در مورد تعیین والدین حقیقی و حقوق طفل متولد به وجود می‌آید.

از گذشته، معمولاً اهدای گامت و جنین، به صورت گمنام و محرمانه انجام می‌گرفته و از قدیم، اطلاعات مربوط به افراد اهداکننده و طفل متولد، بدون ثبت رسمی، مکتوم و مخفی باقی می‌مانده است. در حقوق موضوعه‌ی امروز، اصولاً نه تنها ثبت اطلاعات الزامی ندارد، بلکه در برخی موارد، عدم ثبت اطلاعات و اهدای گمنام نیز تکلیف قانونی است.

ثبت یا عدم ثبت اطلاعات اهداکنندگان و دریافت‌کنندگان گامت یا جنین و نیز ثبت اطلاعات طفل متولد، چالش‌های مختلفی را به دنبال دارد. از جمله این که آیا اساساً اهداکنندگان و یا فرد متولد از این فرآیند، حق شناخت یکدیگر را دارند یا خیر؟ علاوه بر این و در صورتی که حتی جواب سؤال پیشین منفی باشد، اگر برخی از اقتضائات و ملاحظات پزشکی ایجاب کند تا طرفین برای درمان خویش به یکدیگر مراجعه کنند و یا در صورتی که زوجین دریافت‌کننده، متعاقباً شرایط و صلاحیت سرپرستی و نگهداری از طفل مورد نظر را از دست بدهند و یا در اثر فوت آنها، طفل مزبور بی‌سرپرست رها گردد، حق مراجعه طفل متولد به اهداکنندگان به رسمیت شناخته می‌شود؟ اگر پاسخ به این پرسش‌ها مثبت باشد، بدون ثبت اطلاعات طرفین و بر اساس

آنچه که در مقررات بسیاری از نظام‌های حقوقی است با گمنامی الزامی اهدا، شناخت متقابل چگونه ممکن خواهد بود؟ در این پژوهش ابتدا به تبیین روش‌های نوین باروری مبتلا به و محل نزاع ثبت اطلاعات می‌پردازیم، سپس سیاست تقنینی ایران و برخی از کشورهای جهان را در این زمینه مورد مذاقه قرار داده و نظرات موافق و مخالف را تشریح خواهیم کرد. در ادامه ضرورت‌های شرعی را تبیین خواهیم کرد.

۲. ملاحظات اخلاقی

در نگارش این مقاله همه ملاحظات اخلاقی، به ویژه اصل امانت و صداقت مورد توجه نگارندگان بوده است.

۳. مواد و روش‌ها

این مقاله با رویکرد تحلیلی و با به کارگیری روش اسنادی و با بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است.

۴. یافته‌ها

این پژوهش، با بررسی سیر تحولات نظام‌های حقوقی کشورها در زمینه ثبت و امکان دسترسی به اطلاعات اهدای گامت و جنین، و همچنین بررسی اهم ادله‌ی موافقان و مخالفان ثبت اطلاعات، عقلاً لزوم و ضرورت ثبت اطلاعات و امکان دسترسی به آن را اثبات نموده است.

۵. بحث

۵-۱. روش‌های باروری محل نزاع ثبت اطلاعات

در میان روش‌های مختلف نوین باروری سه روش اهدای تخمک، اهدای اسپرم و اهدای جنین، محل نزاع بحث ثبت اطلاعات است؛ چرا که در این سه روش، باروری با دخالت فرد دیگری انجام می‌گیرد. این روش‌ها عبارتند از:

۵-۱-۱. اهدای تخمک

در این روش، به علت مشکلات مختلفی مانند فیبروم بالای رحم، فقدان یا ضعف یا پوکی تخمک و... لقاح به صورت طبیعی ممکن نیست و از تخمک اهدایی استفاده می‌شود. فرآیند اهدای تخمک شامل تهیه تخمک از زن اهداکننده،

باروری آن با اسپرم در آزمایشگاه و انتقال جنین‌ها به رحم زن نابارور است (۱).

۵-۱-۲. اهدای اسپرم

در صورت فقدان اسپرم یا عدم قابلیت آن در بارور کردن تخمک، از روش اهدای اسپرم استفاده می‌شود. علاوه بر این، هرگاه مرد دچار اختلالات ژنتیکی یا ناهنجاری‌های کروموزومی باشد، استفاده از اسپرم اهدایی به زوجین توصیه می‌شود (۱).

۵-۱-۳. اهدای جنین

هرگاه زوج یا زوجه دارای اختلال در باروری باشند، اما زوجه دارای رحم سالمی باشد، با انتقال جنین اهدایی به رحم زوجه، می‌توان به زوجین نابارور کمک نمود (۱).

۵-۲. سیاست تقنینی ایران در قبال ثبت و امکان

دسترسی به اطلاعات

در ۱۳۸۲ قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور به تصویب مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه اجرایی آن نیز در ۱۳۸۳ به تصویب و اجرا رسید. این قانون از میان روش‌های مختلف باروری، تنها به اهدای جنین می‌پردازد و در خصوص سایر روش‌های تلقیح (اهدای تخمک و اسپرم و...) ساکت است (۲). به علت فقدان قانون، طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی می‌توان به فتاوی مراجع تقلید استناد کرد (۳). بر اساس نظر اکثریت مراجع تقلید، اهدای گامت و جنین، فی‌نفسه اشکالی ندارد، اما مراعات برخی مقدمات شرعی از جمله لمس و نظر و نیز وجود محرمت در هنگام تلقیح میان صاحب اسپرم و تخمک لازم است (۴).

روند اهدا به این ترتیب است که زوجین بعد از مراجعه به مرکز ناباروری و احراز عدم امکان باروری، به واحد مددکاری ارجاع داده می‌شوند. مددکار توضیحات کامل درباره مسائل مختلف از جمله لزوم ناشناس ماندن، طول زمان انتظار و... را ارائه می‌کند و پس از طی مدت انتظار، نامه‌ای برای معرفی به دادگاه خانواده و پزشکی قانونی برای احراز صلاحیت اخلاقی،

جسمی و اجتماعی دریافت می‌کنند. زوجین پس از صدور مجوز می‌توانند در سیکل درمانی قرار بگیرند. هم‌اکنون در پژوهشگاه رویان، اهدای جنین ناشناس فقط از طریق جنین‌های منجمد شده قبلی به زوج‌های نابارور استفاده می‌شود (۵).

در قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور، اشاره‌ای به لزوم محرمانه بودن هویت اهداکنندگان و گیرندگان نشده است، اما ماده ۳ آیین‌نامه این قانون، اهدای جنین را «به صورت کاملاً محرمانه» لازم دانسته است. همچنین، اگرچه ماده ۸ به مراکز مجاز، اجازه‌ی دایر کردن بانک جنین داده است، اما بر اساس بند ۶ ماده ۶، دریافت، نگهداری و انتقال جنین‌های اهدایی باید در شرایط کاملاً محرمانه باشد. تبصره همین ماده، طبقه‌بندی اطلاعات مربوط به جنین‌های اهدایی را جزو اطلاعات به کلی سری دانسته است. سرانجام بر اساس ماده ۱۰ «ارائه‌ی مدارک و اطلاعات مربوط به اهداکنندگان و دریافت‌کنندگان جنین اهدایی تنها با رعایت قوانین مربوط به حفظ و نگهداری اسرار دولتی و به مراجع قضائی صلاحیت‌دار مجاز است» (۲).

۵-۳. رویکرد کشورهای مختلف در قبال ثبت اطلاعات

همان‌گونه که اشاره شد سیاست تقنینی ایران، حفظ محرمانگی و جلوگیری از افشای اطلاعات مربوط به اهدای گامت و جنین است. اگرچه در گذشته، کشورهای دیگر نیز اشتراک‌گذاری اطلاعات اهداکنندگان، گیرندگان و طفل متولد را محدود می‌کرده‌اند، اما در سال‌های اخیر، بسیاری از نظام‌های حقوقی از سیستم اهدای ناشناس به سیستمی تبدیل شده‌اند که انعطاف‌پذیرتر و شفاف‌تر است (۶) و به تدریج ثبت و امکان ارائه‌ی اطلاعات را ضروری می‌دانند. علت این امر، افزایش چالش‌های حقوقی این مسئله، در نتیجه‌ی تغییرات در جوامع و تکامل فناوری‌های ژنتیکی است (۷). بر اساس گزارش فدراسیون بین‌المللی جوامع باروری (IFFS) امروزه نظام‌های حقوقی بیشتری به ثبت و امکان دسترسی به اطلاعات اهدا گرایش پیدا کرده‌اند (۸).

۲۰۱۲ این تصمیم لغو شد و ناشناس بودن اهدا همچنان ادامه دارد (۹).

در اروپا، اهدای ناشناس، در ۱۸ کشور از جمله اسپانیا، فرانسه و دانمارک همچنان قانونی است (۹). در بعضی از کشورها مانند اتریش، کرواسی، فنلاند، مالت، پرتغال و انگلستان ناشناس بودن اهداکنندگان برای گیرندگان اعمال می‌شود اما کودکان متولد شده می‌توانند در سنین بالاتر به هویت اهداکنندگان دسترسی داشته باشند (۱۱). طبق قوانین اسپانیا، اطلاعات مربوط به اهداکننده محرمانه و افشای آن به موارد خاص و شرایط فوق‌العاده محدود می‌شود. از جمله‌ی این شرایط خاص، زمانی است که خطر شدیدی، سلامتی کودک را هدف گرفته باشد یا هرگاه این اطلاعات مطابق قوانین دادرسی کیفری مورد نیاز باشد (۸). اخیراً، دادگاه قانون اساسی پرتغال نیز اعلام کرد که اهدای گامت ناشناس خلاف قانون اساسی است و در نتیجه این رأی، وضعیت حقوقی اهدا در پرتغال تغییر کرده و قانون، حق دسترسی به ریشه‌های ژنتیکی را به افراد اعطا می‌کند (۷).

از اول آوریل ۲۰۰۵، قانون انگلستان تغییر یافت تا به کودکان متولد شده از طریق اهدا گامت اجازه دسترسی به مشخصات شناسایی اهداکننده داده شود. طبق مقررات فعلی، والدین احتمالی اگر بخواهند در انگلستان تحت درمان قرار بگیرند، چاره‌ای جز استفاده از روش قابل شناسایی اهداکنندگان ندارند. از تاریخ فوق، اطلاعاتی است که در زمان اهدا از اهداکننده جمع‌آوری شده است، شامل قد، وزن، رنگ چشم و مو، سال و کشور تولد، قومیت، تعداد و جنسیت فرزندان و وضعیت تأهل و سابقه پزشکی و آخرین آدرس اهداکننده ثبت می‌گردد (۱۲). افراد متولد شده از پذیرندگانی که بعد از ۱ آوریل ۲۰۰۵ باردار شده‌اند، هنگامی که به ۱۶ سالگی می‌رسند، می‌توانند برای دریافت اطلاعات غیرقابل شناسایی اهداکننده خود (همه اطلاعات داده شده به جز نام آنها و آخرین اطلاعات نشانی) مراجعه کنند. همچنین هنگامی که به ۱۸ سالگی می‌رسند قادر به دریافت اطلاعات اهداکننده خود، از جمله اطلاعات شخصی هستند. البته در اختیار گذاشتن این اطلاعات فقط زمانی است که کودک آن را در سنین فوق

بسیاری از کشورهای اروپایی سیاستی که سوئد در سال ۱۹۸۴ اتخاذ نموده است را در پیش گرفته‌اند که بر اساس آن، به طفل متولد امکان دسترسی به اطلاعات اهداکننده را پس از سن بلوغ می‌دهد. این موضوع در اتریش (۱۹۹۲) سوئیس (با تصویب قانون در ۱۹۹۸ که از ۲۰۰۱ در حال اجرا است)، نروژ (۲۰۰۳)، هلند (با تصویب قانون در ۲۰۰۲ که از ۲۰۰۴ اجرا می‌شود)، انگلستان (۲۰۰۴)، فنلاند (۲۰۰۶) اعمال می‌شود. در خارج از اروپا نیز قوانینی به تصویب رسیده و در ایالت ویکتوریای استرالیا (۱۹۹۵)، استرالیای غربی و نیوزیلند (۲۰۰۴)، نیو ساوت ولز (۲۰۰۷)، استرالیای جنوبی (۲۰۱۰)، اروگوئه (۲۰۱۳) و آرژانتین (۲۰۱۴)، نیز این حق به رسمیت شناخته می‌شود. نظام حقوقی برخی از کشورها، دو امکان را پیش‌بینی کرده و به اهداکنندگان و گیرندگان اجازه می‌دهند میان اهدای ناشناس یا قابل شناسایی، یکی را انتخاب کنند. از نگاه این نظام‌ها، این امر تعادل بهتری بین حقوق اشخاص دخیل فراهم می‌کند. در سال ۱۹۹۶، ایسلند این مدل را انتخاب کرد و در بسیاری از ایالت‌های آمریکا مدل مطلوب همین است (۸).

در آمریکا، اگرچه تلاش‌های حقوقی زیادی برای به چالش کشیدن ناشناس بودن انجام گرفته است، اما تغییرات چندانی اتفاق نیفتاده است. در این کشور، قانون یکسانی در مورد این موضوع وجود ندارد. نه دولت فدرال و نه قوانین ایالتی، سیستم ثبت واقعی را که اهدای گامت ناشناس را ممنوع کند، اعمال نمی‌کنند. عمده‌تاً ایالت‌ها همچنان به ناشناس بودن اهدا پایبند هستند؛ اگر چه در برخی ایالت‌ها اقداماتی برای شناسایی این امر در حال انجام است (۹) و چندین بانک اسپرم با برنامه‌های شناسایی هویت وجود دارد و اهداکنندگان و پذیرندگان احتمالی باید استفاده از آن‌ها را انتخاب کنند (۱۰).

در کانادا بحث ناشناس ماندن اهدا به شدت مورد حمایت است. بسیاری از کانادایی‌ها طرفدار گمنام ماندن نام اهداکنندگان هستند. آن‌ها ناشناس بودن اهداکننده را محافظت در برابر مداخلات احتمالی او در خانواده پذیرنده می‌دانند (۱۰). در سال ۲۰۱۱، دادگاه عالی بریتیش کلمبیا اهدای گامت ناشناس را ممنوع کرد. با این حال، در سال

۵-۴-۱. ادله‌ی موافقان

۵-۴-۱-۱. حق دستیابی به هویت

عمده‌ترین دلیل موافقان ثبت اطلاعات و نفی محرمانگی، احترام به حق مسلم هر فرد در شناخت هویت و ریشه‌های ژنتیکی خویش است. این حق در مقررات داخلی و بین‌المللی کشورهای مختلف نیز انعکاس یافته است. ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک، حق طفل را در «شناخت والدین تا حد ممکن» به رسمیت شناخته و کشورهای عضو را به تضمین این حق در قوانین ملی خود متعهد نموده است (۱۴). برخی از صاحب‌نظران حقوق ایران نیز معتقدند اصل مذکور مخالف کنوانسیون حقوق کودک است؛ زیرا حق شناسایی پدر و مادر کودکان به عنوان بخشی از حقوق طبیعی و اجتماعی کودک است و کسی نمی‌تواند آن را از کودک سلب کند (۱۵). این کودکان به همان اندازه حق دارند تا از هویت و ریشه‌ی ژنتیکی خود مطلع شوند که فرزندخواندگان می‌توانند (۱۲). بر اساس یک پژوهش انجام گرفته در آمریکا، حداقل از هر دو فرد متولد از طریق فرآیند اهدای جنین و گامت، یک نفر در صدد شناخت منشأ هویتی خویش است (۷). باید توجه داشت که حق شناخت هویت فقط در مورد کودکان اعمال می‌شود و دامنه آن به اهداکنندگان گسترش نمی‌یابد (۷).

۵-۴-۲. ازدواج فامیلی

برخی از صاحب‌نظران و همچنین خانواده‌ها نگران هستند گمنامی اهداکننده موجب شود که در آینده و به صورت ناخودآگاه، افراد متولدشده از طریق اهدای جنین و گامت، با محارم خود از خانواده اهداکننده ازدواج کنند (۷، ۱۳). علاوه بر این، گمنامی اهدا، احتمال ازدواج فامیلی را نیز بالا می‌برد که با توجه به مخاطراتی که ازدواج‌های فامیلی دارد امر مطلوبی نیست. بنا به ملاحظه فوق، برخی صاحب‌نظران معتقدند می‌توان یک سیستم رجیستری را طراحی کرد که به افراد متولد اجازه دهد بدون اینکه مستقیماً هویت اهداکننده را بشناسند، مطلع شوند که آیا از نظر ژنتیکی با فرد دیگری در ارتباط هستند یا خیر؟ (۸، ۱۳). علاوه بر این، اصل ناشناس بودن اهدا، بهداشت عمومی را در معرض خطر قرار می‌دهد،

درخواست کرده باشد و طبیعتاً اگر زوجین پذیرنده حقیقت را به او نگفته باشند، اطلاع دادن به کودک منتفی است. بنابراین، این ثبت اطلاعات به صورت «منفعل» است؛ برخلاف نوع «فعال» آن که کودک را در سن لازم فرا خوانده و از هویت خود آگاه می‌کنند. در عمل، اگر یک دفتر ثبت «فعال» ایجاد می‌شد، احتمالاً اکثریت قریب به اتفاق والدین، اطلاعات را برای فرزندان خود زودتر فاش می‌کردند، زیرا می‌دانستند که در هر حال او به اطلاعات دست خواهد یافت (۱۳).

ایالت ویکتوریای استرالیا قوانینی راجع به شناسایی اهداکننده اسپرم در دو مرحله تصویب کرد. ابتدا، از سال ۱۹۸۸ ثبت‌نام اهداکنندگان را اجباری نمود، البته بدون موافقت اهداکننده، افشای اطلاعات ممکن نبود. سپس، از سال ۱۹۹۸ به کودکان متولد شده اجازه داد تا پس از رسیدن به سن ۱۸ سالگی به اطلاعات اهداکنندگان دسترسی پیدا کنند. بر اساس گزارش سنا، روند کلی در استرالیا به نفع امکان شناخت اهداکننده گامت است. این گزارش توصیه می‌کند که کودک بتواند پس از ۱۶ سالگی به اطلاعات غیرقابل شناسایی اهداکننده و پس از ۱۸ سالگی، به اطلاعات کامل دسترسی پیدا کند. حق شناخت اهداکنندگان به دلایل پزشکی، به دست آوردن اطلاعات مهم در زمینه کاهش خطر ازدواج فامیلی، ایجاد روابط با اهداکنندگان و خواهران و برادران ناتنی و دسترسی به مفهوم کامل‌تر هویت ایجاد می‌شود (۸).

تحولات اخیر در آزمایش‌های DNA و ایجاد پایگاه داده‌های عظیم آن به این معنی است که به هیچ‌وجه نمی‌توان سیاست ناشناس بودن اهدا را برای همیشه تضمین نمود (۱۱).

۵-۴. اهم دلایل موافقان و مخالفان ثبت اطلاعات

همان‌گونه که مشاهده شد، بحث ثبت اطلاعات، در نظام‌های حقوقی مختلف مورد مناقشه‌ی جدی است. صاحب‌نظران در این زمینه اختلاف‌نظرهای فراوانی داشته برخی موافق و بعضی مخالف ثبت اطلاعات هستند. با بررسی پژوهش‌های مختلف، اهم دلایل گروه‌های موافق و مخالف به شرح زیر قابل احصاست:

چون فرد متولد نمی‌تواند از سابقه پزشکی و ژنتیکی خود مطلع شود (۷).

۵-۴-۲. ادله‌ی مخالفان

۵-۴-۱. کاهش اهداکننده

مهمترین اشکالی که توسط مخالفان ثبت و افشای اطلاعات مطرح می‌شود این است که در صورت چشم‌پوشی از گمنامی، تعداد اهداکنندگان کاهش می‌یابد (۷). در سال ۱۹۸۵ سوئد که شناسایی اهداکنندگان را پذیرفت، شاهد کاهش چشم‌گیر تعداد کودکان متولد شده بود؛ به گونه‌ای که نیمی از بیمارستان‌هایی که تلقیح مصنوعی ارائه می‌دادند، برنامه‌های خود را تعطیل کردند. البته این استدلال با آمار دقیقی پشتیبانی نمی‌شود، چون در کشورهایی که حق دسترسی به مبدأ شخص را اعطا کرده‌اند، هیچ کاهش در اهدا مشاهده نشده است. به عنوان نمونه، در سوئد، اگرچه اجرای قانون ۱۹۸۴ در سال اول منجر به کاهش تعداد اهداکنندگان شد، اما پس از آن روند اهدا افزایش یافته است (۱۳). در انگلستان نیز که از سال ۲۰۰۵ قانون تغییر کرد، کمیت اهداها به طور مداوم افزایش یافته است (۷).

۵-۴-۲. تضییع حقوق افراد

یکی دیگر از ادله‌ی مخالفان ثبت اطلاعات، این است که افشای اطلاعات موجب تضییع حقوق اهداکنندگان و نیز باعث نوعی سرافکنندگی و ننگ برای پذیرندگان و حتی طفل متولد از این فرآیند است (۹، ۱۲). اگرچه این حق کودک است تا به هویت خویش دسترسی داشته باشد اما این شناخت ممکن است ضرری بیش از منفعت برای کودک داشته باشد (۸). بر اساس مطالعه‌ای که در بروکسل بر روی ۱۴۴ زوجی که در مورد اهدای تخمک مشاوره دریافت کرده‌اند، انجام گرفته است، بیش از دو سوم آنان، اهدای ناشناخته را ترجیح داده‌اند. علاقه به حفظ مرزبندی و فاصله بین اهداکنندگان و دریافت‌کنندگان، انگیزه اصلی برای حفظ ناشناس ماندن در این افراد بود (۹).

برخی از بانوانی که اهدای ناشناس تخمک داشته‌اند، پس از تغییر قانون، تمایلی به اهدای مجدد ندارند. این عدم تمایل لزوماً از ترس مواجهه با کودک نیست؛ بلکه به این دلیل است که این زنان نسبت به فرهنگ جدید حاکم بر اهدا، ابراز نگرانی می‌کنند؛ بدین معنا که قبلاً اهدا با انگیزه‌های نوع‌دوستانه صورت می‌گرفت اما اکنون این انگیزه‌ها با سیاست‌های جدید زیر سؤال می‌رود. علاوه بر این، آنها خود را مادر بیولوژیک فرزند متولدشده نمی‌دانند، در حالی که انجام تشریفات ثبت اطلاعات از جمله تکمیل فرم‌های گوناگون، ناخودآگاه باعث می‌شود که این مادران احساس کنند که در حال اعطای فرزندان خود به فرزندخواندگی هستند (۱۲). اما در پاسخ این استدلال گفته شده است که امروزه، تمایل به پنهان‌کاری و احساس ننگ پیرامون بارداری کمکی زوجین پذیرنده از بین رفته و افراد بیشتری قصد دارند که حقیقت را در مورد بارداری به فرزندشان بگویند. اتفاقاً حذف گمنامی اهدا، به تدریج موجب کاهش این احساس می‌گردد (۱۲). اگرچه انسان‌ها مایل به شناخت ریشه و هویت خویش هستند اما چون افراد متولدشده به خانواده فعلی خود خو گرفته و با آنها پیوند عاطفی دارند، خطری این خانواده را تهدید نمی‌کند (۷).

۵-۵. ضرورت‌های شرعی و فقهی ثبت اطلاعات

پس از بیان عمده نظرات مخالفان و موافقان ثبت و دسترسی به اطلاعات و سیاست تقنینی کشورهای مختلف در مورد این مسئله، اکنون بر اساس موازین فقهی، به بیان اهم ضرورت‌های شرعی ثبت اطلاعات پرداخته می‌شود:

۵-۵-۱. حفظ حقوق فطری مبتنی بر نسب

حقوق فطری کودک را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود. دسته اول، حقوقی است که برای هر طفلی صرف نظر از منشأ تولد وجود داشته و همه انسان‌ها فارغ از رابطه‌ی نسبی مکلف به تأمین آن هستند از جمله حق حیات، حق سلامت، حق آزادی و...؛ دسته دوم، حقوقی است که تنها از مجرای نسب برای طفل به وجود می‌آید، مانند ولایت، حریمیت، تربیت، حضانت، اخذ نفقه و ارث که ولی قهری و مادر مکلف به تأمین

این حقوق هستند. اگرچه فرزندخواندگی مخصوصاً از سنین شیرخوارگی و طفولیت موجب ارضای حس عاطفه‌ی پدری و مادری و باعث آسودگی خاطر طفل می‌شود اما بر اساس منطق قرآن کریم به هیچ وجه حقوق و تکالیف ناشی از نسب در فرزندخواندگی وجود ندارد و این مطلب در داستان زید بن حارثه مورد تأکید قرآن کریم است (۱۶). علاوه بر فرزندخواندگی، بنا بر نظر مشهور فقهای امامیه، طفلی که بر اثر رابطه نامشروع متولد می‌شود نیز رابطه نسبی با زانی و زانیه نداشته و برخی از آثار نسب همچون توارث و ولایت نیز منتفی است (۱۷). بنابراین، مفهوم نسب در شرع مقدس اسلام دارای حقیقت شرعیه است. آیه‌ی شریفه‌ی ۵۴ سوره فرقان، (وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا) به صراحت، نسب را دارای ماهیت جعلی تشریعی می‌داند و بر این اساس، عرف و قرارداد نمی‌تواند نسب‌ساز بوده و به تبع، آثار نسب را ایجاد کند (۱۸). شریعت اسلام بسیاری از اسباب عرفی نسب‌ساز از جمله زنا، تبنی، حلف و جوار را منسوخ نموده و نسب حقیقی را تنها نسب ناشی از ازدواج یا وطی به شبهه می‌داند (۱۹).

طفل متولد از فرآیند تلقیح مصنوعی با رعایت مقدمات شرعی، طفلی مشروع است که به پدر و مادر صاحب اسپرم و تخمک ملحق است و باید مانند سایر اطفال مشروع از حقوق نشأت گرفته از رابطه نسبی برخوردار گردد و نباید در ردیف طفل نامشروع، از بسیاری از حقوق محروم بماند و به صرف مصنوعی بودن شیوه‌ی تولد، از بخشی از حقوق خود محروم باشد. طفلی که از اهدای جنین متولد می‌شود، بر اساس نظر اکثریت فقها ملحق به والدین ژنتیکی است و مادر صاحب رحم به‌رغم حمل او و شوهر این زن هیچ نسبیتی با طفل ندارند (۲۰). بنابراین، طفل مذکور و این زن و مرد از حقوق و تکالیف نسبی متقابل برخوردار نیستند. در روش اهدای اسپرم نیز پدر و در روش اهدای تخمک، مادر رابطه نسبی با طفل ندارد و طفل به مرد اهداکننده اسپرم و یا زن اهداکننده تخمک ملحق است (۲۰).

در شرع مقدس اسلام، توارث نیز مبتنی بر رابطه‌ی نسبی یعنی خویشاوندی خونی است و تنها در زوجیت است که رابطه سببی امر توارث را برقرار می‌کند (۲۱). از آنجا که فقط

بین صاحبان اسپرم و تخمک و کودک رابطه‌ی خونی وجود داشته و بین آنان نسب برقرار می‌شود، بنابراین، زوجین پذیرنده‌ی جنین و یا فردی از زوجین که از گامت او در تکون طفل استفاده نشده است، پدر یا مادر کودک به شمار نمی‌آیند تا رابطه توارث بین آنان برقرار گردد. نتیجه‌ی گزاره‌ی فوق این است که طفل متولد از فرآیند اهدای گامت و جنین که البته خارج از اختیار خویش متولد شده و همانند سایر افراد باید از حقوق فطری مبتنی بر نسب برخوردار باشد، از پدر یا مادر نسبی خود به علت ناشناسی آنها در نتیجه عدم ثبت اطلاعات ارث نمی‌برد. از طرف دیگر، چون با پذیرندگان گامت و جنین پیوند خونی ندارد، با آنان نیز رابطه‌ی ارث‌بری نخواهد داشت.

در مورد حقوق فطری مبتنی بر نسب در سایر نظام‌های حقوقی، اگرچه ممکن است از طریق قرارداد، زوجین پذیرنده موظف به تأمین این حقوق گردند و اهداکنندگان بتوانند از انجام این تکالیف معاف گردند؛ اما اشاره شد که در نظام حقوقی اسلام بر اساس جعل شارع، امکان واگذاری این تکالیف به دیگری نیست. اگرچه ممکن است زوجین پذیرنده به حکم قانون و به نیابت از اهداکنندگان، متعهد به انجام تکالیفی همچون حضانت و انفاق و تربیت باشند اما به حکم اولیه، این تعهد، نافذ و از بین برنده‌ی تکلیف اهداکنندگان نخواهد بود. از این گذشته، در مورد توارث حتی همین اندازه تعهد و قرارداد نیز پذیرفته نیست. به همین دلیل است که ماده ۳ قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب سال ۸۲، مقرر داشته است که «وظایف و تکالیف زوجین اهداکننده جنین و طفل متولد شده، از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام نظیر وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر است» (۲). و در مورد ارث سکوت نموده و به نظر می‌رسد یکی از چالش‌های حل نشده فقهی و حقوقی در اهدا، مبحث ارث است و به حکم اولیه فقهی و قانونی، فقط میان طفل متولد و اهداکنندگان توارث برقرار است.

بنابر توضیحات فوق، اگر چه اهدای جنین و گامت (با رعایت مقدمات شرعی) فی نفسه اشکال ندارد و حتی به علت آن که در نتیجه‌ی آن، زوجین بی‌فرزند صاحب اولاد شده و موجبات آرامش روانی آنها فراهم می‌شود، امری خداپسندانه

خون و فرآورده‌های آن و...) احتیاج باشد، در صورت عدم ثبت اطلاعات و ناشناس بودن اهداکننده و عدم تأمین این ملاحظات، آیا حقوق طفل تضییع نمی‌گردد؟

اگر پاسخ به این سؤالات مثبت است که عقل سلیم، وجدان، عرف و روح حاکم بر شریعت و احکام اولیه فقهی چنین اقتضا دارد، در صورت الزام و یا حتی امکان ناشناس بودن اهدای گامت و جنین، کیفیت برخورداری از این حق به چه نحوی خواهد بود؟ آیا جز این است که در صورت ناشناسی اهدا و پیش آمدن فروض فوق که احتمال آن کم هم نیست، حقوق کودک تضییع خواهد شد و والدین حقیقی که با نیت خیرخواهانه زوجی را از نعمت فرزند برخوردار کرده‌اند، عملاً و متعاقباً کودکی را از نعمت پدر و مادر و سایر حقوق مسلم خود محروم نموده‌اند؟ بنابراین، آنچه که اجتناب‌ناپذیر است، حفظ حقوق این کودک از طریق ثبت اطلاعات و امکان دسترسی طفل به این اطلاعات در شرایط خاص است.

۵-۲-۵. احتیاط در فروج و اجتناب از اختلاط نسب

با پیشرفت روزافزون علم و شایع شدن استفاده از روش‌های کمک باروری، بدون تردید و به تدریج بر تعداد اهداکنندگان گیرندگان گامت و جنین افزوده می‌شود و همانند اهدای فرآورده‌های خونی که به امری معمول تبدیل شده و اغلب افراد حداقل یکبار انتقال خون و فرآورده‌های آن را داشته یا گیرنده‌ی آن بوده‌اند، اهدای گامت و جنین نیز رفته‌رفته به امری عادی تبدیل خواهد شد و علاوه بر اینکه هر فرد می‌تواند تعداد زیادی اهدای گامت داشته باشد، یک زوج می‌تواند در درازمدت تعداد زیادی اهدای جنین نیز داشته باشند. در صورتی که این اهداها به صورت ناشناس انجام بگیرد، با توجه به روند روزافزون آن، امکان گسترش دایره محارم و به تبع آن اختلاط نسب و ازدواج محارم با یکدیگر افزایش پیدا می‌کند و پر واضح است که چه بسا در آینده نزدیک، مخصوصاً در شهرها و محیط‌های کوچک، ازدواج‌های با محارم و نیز ازدواج‌های فامیلی به صورت ناخواسته شکل بگیرد. در حالی که یکی از تأکیدات شریعت اسلام بر جلوگیری از اختلاط نسب و ازدواج با محارم است (۲۳، ۲۴). علاوه بر امکان ازدواج

است اما نباید مصلحت طفل متولد تحت‌الشعاع این امر قرار بگیرد. مصلحت طفل بدین معناست که اداره امور او صحت رشد جسمی و تربیت عقلی و اخلاقی او را فراهم کند و آسیب جسمانی و روانی متوجه وی نباشد (۲۲). بنابراین، در خانواده زوجین پذیرنده حتی‌المقدور می‌بایستی تمامی حقوق طفل توأم با آرامش و آسایش او تأمین گردد. با جمع چنین شرایطی، در صورتی که امکان تأمین حقوق طفل مذکور بدون اطلاع از هویت خویش وجود دارد، به حکم قواعدی همچون لاضرر و لاجرح، اتفاقاً آنچه که خلاف مصلحت طفل و موجب آشفته‌گی روانی وی هست، مطلع کردن بی‌وجه او از هویت خویش است لذا در خیلی از مواقع عدم افشای اطلاعات، موافق مصلحت طفل است. اما چالشی که در این‌جا وجود دارد این است که اگر بنا به دلایل مختلفی مانند مرگ زوجین پذیرنده، طفل مذکور در هر سنی از سرپرستی آنها محروم گردد و یا به علت رها کردن طفل توسط آنها یا در صورت بدسرپرستی به علت سوءاخلاق و رفتار، دادگاه رأی به الغای سرپرستی آنها بدهد و حقوق مختلف این طفل از جمله ولایت و حضانت، تربیت و انفاق و آرامش و آسایش وی معلق بماند، آیا والدین حقیقی، حق و تکلیف نسبی خویش را ندارند؟ آیا طفل به‌رغم برخورداری از والدین حقیقی که شرعاً و قانوناً بدانها منتسب است، باید بلامتکلیف رها گردد؟

به نظر می‌رسد اگر چه در اهدای گامت و جنین، اهداکننده نیت نوع‌دوستانه داشته و اگر چه قصد آنها توالد و تکثیر نسل از خود و پذیرش مسئولیت‌های پدری و مادری نبوده و اگر چه با حضور طفل متولد از این اهدا در خانواده زوجین پذیرنده، بسیاری از حقوق او تأمین می‌گردد و اتفاقاً مصلحت طفل، کتمان هویت وی است، اما در مورد فرض فوق که چه بسا به بی‌خانمانی و تضییع حقوق طفل منجر شود، آیا نباید والد یا والدین حقیقی را ملزم به پذیرش طفل خود نمود و کودک را از حقوق مسلم خویش برخوردار کرد؟ علاوه بر این، در برخی از موارد و حتی به‌رغم زندگی مناسب طفل تحت سرپرستی زوجین پذیرنده، ممکن است برای درمان برخی از بیماری‌ها و نارسائی‌های طفل متولد، به اطلاعات پزشکی و ژنتیکی و یا برخی فرآورده‌های جسمی اهداکننده (مانند مغز استخوان،

و عدم ثبت اطلاعات مقدمه افتادن در حرام و شبهه است؛ بنابراین، از باب مقدمه واجب، ثبت اطلاعات نیز واجب است.

۵-۳. موافقت قطعی با حکم شارع

آنچه می‌بایست برای مکلف اهمیت داشته باشد، موافقت قطعی با حکم شارع است (۲۹). در فرض مسئله از آنجا که موافقت قطعی با امر شارع یعنی لزوم حفظ فروج و نسل و حقوق کودک، تنها با ثبت اطلاعات میسر می‌گردد، بنابراین تردیدی در ثبت و امکان دسترسی به اطلاعات باقی نمی‌ماند. توضیح اینکه در مورد احتمال اختلاط نسب، ازدواج با محارم و ازدواج‌های فامیلی، ممکن است این‌گونه استدلال شود که چون چنین اهداهایی مصداق شبهه غیرمحصوره است، می‌توان با استناد به اصل برائت، مجوز اهدای ناشناس را صادر نمود. یعنی چون شمار ازدواج‌هایی که در یک جامعه صورت می‌گیرد بسیار بالاست و رقم اهداهای یک فرد یا زوجین بسیار کم است و احتمال خیلی پایینی وجود دارد که میان اطفال حاصل از این اهداها که طبیعتاً محارم محسوب می‌شوند، ازدواجی صورت بگیرد، پس لزومی ندارد به علت این احتمال پایین، ثبت اطلاعات اهداکنندگان و پذیرندگان را الزامی نماییم. علاوه بر این، ممکن است این‌گونه استدلال شود که چون احتمال نیاز به اطلاعات اهدا برای احقاق حقوق طفل پائین و نادر است. لذا برای چنین احتمال کمی هم، نیازی به ثبت اطلاعات نیست.

شبهه غیرمحصوره، شبهه‌ای است که اطراف آن چنان فراوان و متعدد باشد که عقلای عالم به علم اجمالی موجود اعتنا نمی‌کنند (۳۰). همچنین گفته شده است که کثرت اطراف موجب عسر یا ضرر در موافقت قطعی می‌گردد (۳۱). بنابراین، عرف عقلاً آنجا که عقلاً به احتمال حرام یا ضرر توجه و اعتنا نمی‌کند، شبهه غیرمحصوره شمرده می‌شود و اصل برائت جاری می‌گردد. دلایل زیادی از جمله اجماع منقول، سیره عقلا و ادله روایی برای استناد به اصل برائت در شبهه غیرمحصوره اقامه شده است (۳۰).

از آنجا که در موارد شبهه غیرمحصوره، اجتناب از همه اطراف شبهه که لازمه موافقت قطعی با امر شارع است، مستلزم

محارم، با گسترده شدن دایره محارم، امکان ازدواج‌های فامیلی نیز افزایش پیدا می‌کند که ریسک ژنتیکی در آنها بیشتر از ازدواج‌های غیرفامیلی است و بر آن ضررهایی مترتب و محتمل خواهد بود (۲۵) و مورد نهی شریعت نیز قرار گرفته است (۲۶). در این وضعیت که چنین اطفالی روز به روز افزایش می‌یابد و امکان انجام ازدواج با محارم مخصوصاً در محیط‌های کوچک از جمله خانواده‌هایی که اهدا توسط اعضای فامیل صورت می‌گیرد، افزایش یافته است، ثبت اطلاعات و دفع این خطر و ضرر و مفسده محتمل، به حکم قاعده‌ی وجوب دفع ضرر محتمل، عقلایی و اجتناب‌ناپذیر است (۲۷). بر اساس این توضیحات، ثبت اطلاعات و کنترل مدام اطفال متولد از همه حیث مخصوصاً از نقطه نظر فوق ضرورتی حیاتی است.

باید توجه داشت که احکام اسلامی دایر مدار مصالح و مفساد واقعی است (۲۸). بدین معنا که فعل واجب دارای اثر وضعی نیکو و فعل حرام دارای اثر فاسد وضعی است. از احادیث و نیز اقوال فقهای امامیه این‌گونه فهم می‌شود که تمام احکام مربوط به معاملات و غیر آن برای تأمین مصالح دنیوی و اخروی مردم که عرفاً مصلحت و فایده نامیده می‌شوند تشریع شده‌اند (۲۳). لذا نهی شریعت از ازدواج با محارم و نیز کراهت ازدواج فامیلی و همچنین توصیه به اجتناب از اختلاط نسب و امر به احتیاط در فروج قطعاً حاوی مصالح و مفساد واقعی بوده است. یکی از اهداف شارع مقدس از توصیه به رعایت احتیاط در فروج و نهی از نکاح محارم، حفظ سلامت نسل جامعه از آسیب‌های متعدد اجتماعی، جسمی و ژنتیکی بوده است. نکته‌ای که امروزه علم ژنتیک پزشکی نیز آن را تأیید می‌کند که نسلی که حاصل از ازدواج با محارم است، مستعد بیماری‌های خاص ژنتیکی است (۲۵). بنابراین، اگر حتی مکلف به هر دلیلی معذور از انجام حرام و ترک واجب باشد و اگر چه این عذر، وی را از عقوبت مبری خواهد نمود، اما اثر تکوینی و وضعی ارتکاب حرام یا ترک واجب باقی خواهد ماند. بنابراین، ضروری است که تمهیداتی برای اجتناب از این آثار وضعی و تکوینی اندیشیده شود که ثبت و امکان دسترسی به اطلاعات در اهدای گامت و جنین از مقدمات این واجب است

عسر و حرج و اختلال نظام است و امکان ابتلا به همه اطراف وجود ندارد، به اصل براءت استناد شده است. بنابراین، علت جریان اصل براءت در شبهه غیرمحصوره ایجاد عسر و حرج است. در حالی که باید توجه داشت که اگر هنگام اهدا، ثبت اطلاعات صورت گیرد، متعاقب آن، شبهه غیرمحصوره مذکور اساساً شکل نمی‌گیرد تا اجتناب از آن مستلزم عسر و حرج باشد. بنابراین، با توجه به اهمیت مسئله نسل و نسب و فروج، ادله‌ی نهی از اختلاط نسب وارد بر ادله‌ی نفی عسر و حرج در شبهه غیرمحصوره است. از این گذشته، نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که شبهه غیرمحصوره در چه صورتی موجب جریان اصل براءت و رافع تکلیف مکلف خواهد بود، آیا به صورت مطلق در همه موارد یا اینکه در شبهات غیرمحصوره نیز باید در برخی موارد همچنان احتیاط را پیشه نمود. مثلاً در مسئله مورد بحث ما، در جایی که هنگام اهدای ناشناس گامت و جنین، هرچند کم اما احتمال اختلاط نسب یا تضييع حقوق طفل می‌رود، آیا می‌توان به اصل براءت استناد نمود و مورد را از موارد شبهه غیرمحصوره دانست. به بیان دیگر، آیا جریان اصل براءت در شبهات غیرمحصوره به صورت مطلق جاری است یا زمانی که قبل از ابتلای به شبهه، امکان رهایی از شبهه و موافقت قطعی با مقصود شارع فراهم بوده است، نمی‌توان پس از ابتلا، به صرف غیرمحصوره بودن شبهه به اصل براءت استناد نمود؟ زمانی که مکلف می‌داند در یک مسئله‌ی خاص، بی‌مبالائی و بی‌توجهی وی می‌تواند بعداً او را در معرض شبهه نسبت به احکام الهی قرار دهد، مخصوصاً در مسئله‌ی مهمی مثل نسب و فروج، آیا مجاز به بی‌اعتنائی به تکلیف و سپس عدم اعتنا به شبهه هست؟ به نظر می‌رسد که نمی‌توان در جایی که مکلف نه با قصور، که با تقصیر و کوتاهی، امکان وقوع در شبهه دارد و دانایی و توانایی بر جلوگیری از اختلاط انساب و تضييع حقوق کودک با ثبت اطلاعات را دارد، وی را مبری از تکلیف بعدی دانست. در واقع در هنگام عروض شبهه، اگر چه مکلف جاهل به حکم واقعی و حقیقی است اما این جهل وی ناشی از قصور نیست بلکه تقصیر و حتی تعمدی است که وی قبلاً و در هنگام ثبت اطلاعات انجام داده و از انجام تکلیف شانه خالی کرده است.

بنابراین، به نظر می‌رسد که حتی در هنگام عروض شبهه‌ی غیرمحصوره در مسئله‌ی مورد بحث ما، مکلف می‌بایستی احتیاط پیشه کند، چرا که وقوع در چنین شبهه‌ای با اختیار وی اتفاق افتاده است. در حالی که وقتی فردی با علم و اختیار، خود را در شبهه و اضطراب و حرج می‌اندازد، به حکم عقل، به علت سوءاستفاده از اختیار خویش نمی‌تواند معذور باشد. این همان قاعده‌ای است که در فقه با عنوان «الامتناع بالاختیار لاینافی الاختیار» از آن یاد می‌شود (۳۱).

گذشته از این، همان‌گونه که برخی از صاحب‌نظران علم اصول معتقدند، اگر در عروض موجب رفع تکلیف و حصول امری که مستلزم محذوراتی همچون عسر و حرج و اختلال نظام شده است، شک شود مثلاً آنجا که اطراف علم بسیار باشد ولی شک کنیم که آیا کثرت به حد عسر رسیده یا نه و یا بدانیم که کثرت به حد عسر رسیده است، ولی شک کنیم که امثال این عسر، رافع تکلیف است یا نه؟ باید به اصل براءت رجوع شود چون در تکلیف فعلی شک وجود دارد که ادله‌ی براءت عقلی و نقلی حاکم است یا خیر (۳۱).

بنا بر توضیحات فوق، همان عقلی که در جایی مکلف را به احتیاط و در جایی دیگر به براءت رهنمون می‌سازد، در اینجا نیز مکلف را به رعایت احتیاط و لزوم ثبت اطلاعات راهنمایی می‌کند و بعد از علم مکلف به امکان وقوع در شبهه غیرمحصوره و تنجز تکلیف، استناد به اصل براءت را مجاز نمی‌شمارد.

در واقع، قاعده کلی آن است که هنگام شک در «مکلف‌به» باید اصل احتیاط را جاری نمود و جریان اصل براءت در شبهات غیرمحصوره استثنایی بر این قاعده است که در این مورد می‌بایست به قدر متیقن اکتفا نمود. به ویژه اینکه توصیه‌ی کلی شرع، بر حسن احتیاط، به ویژه در دماء و فروج است و حتی در مواردی که حجت و دلیل بر براءت مکلف از تکلیف قائم باشد، باز هم احتیاط نیکوست (۳۱) تا مکلف بدین وسیله خود را از وقوع در مفسده‌ی ازدواج با محارم، اختلاط نسب و تضييع حقوق کودک و مخالفت با تکلیف و فوت مصلحت بر حذر دارد.

۵-۶. ضرورت اصلاح قانون یا الحاق آیین‌نامه

بر اساس مطالب گفته شده، شرع و عقل به ضرورت ثبت اطلاعات اهدا حکم می‌کند و بنابراین، اصلاح قانون نحوه‌ی اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲ و آیین‌نامه‌ی آن اجتناب‌ناپذیر است. البته ثبت اطلاعات و نفی محرمانگی لزوماً به معنای افشای اطلاعات نیست. بسیار مبرهن است که مخفی ماندن هویت در بسیاری از مواقع موافق آرامش، رفاه و تربیت صحیح طفل است، در واقع، همانگونه که حق دستیابی به هویت و برخورداری از حقوق شرعی از حقوق مسلم طفل است، در صورتی که طفل از هویت خویش مطلع نیست و در خانواده‌ی زوجین پذیرنده، با آرامش و در سلامت دینی و دنیوی زندگی می‌کند، افشای بی‌مورد هویت، خود می‌تواند باعث ایجاد ضرر و حرج بر وی گردد. البته در صورتی که حقوق حقه‌ی طفل در معرض خطر باشد، یعنی ملاحظات سرپرستی و پزشکی ایجاب کند که فرد بتواند به والدین حقیقی خویش مراجعه کرده و یا اینکه به هر دلیلی به منشأ تولد خود پی ببرد، می‌بایستی با ثبت اطلاعات، دسترسی به والدین حقیقی برای وی تضمین شده باشد.

بنا بر توضیحات فوق، شاید بهترین راه برای حفظ توأمان منافع و مصالح فرد متولد و همچنین اهداکنندگان و پذیرندگان، این باشد که فقط در وضعیت‌های از قبل پیش‌بینی شده و در صورت درخواست فرد متولد، افشای اطلاعات ثبت شده مجاز باشد. مانند آنچه که در قوانین برخی از کشورها مانند انگلستان و نیوزلند و برخی ایالت‌های استرالیا منعکس شده است.

باید به این نکته نیز توجه داشت که اصل ناشناس ماندن در اثر تکامل فناوری‌های ژنتیکی در حال منسوخ شدن است. آزمایش‌های ژنتیکی روزمره در سطح جهان به طور فزاینده‌ای رایج شده و اکنون دسترسی به نتایج آزمایشات، چه از طریق اینترنت و چه هنگام مسافرت به خارج از کشور، بسیار آسان است (۷). در آینده‌ای نزدیک عملاً، مخفی نگه‌داشتن هویت و نیز ناشناس ماندن اهداکنندگان قابل تضمین نیست و ناگزیر با توجه به ملاحظات پیشین، ثبت اطلاعات اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین به نظر می‌رسد مدیریت نحوه انتقال این اطلاعات به

فرد متولد، سیاست بهتری باشد. باید توجه داشت که هدف این نیست که شرط ناشناس ماندن کاملاً لغو شود، بلکه هدف این است که فرد متولد بعداً بتواند به اطلاعات خاصی دسترسی داشته باشد. بنابراین، اصل «امکان دسترسی به اطلاعات» به جای لغو اصل «ناشناس بودن اهدا»، جایگزین بهتری است. در واقع، نباید به دنبال «لغو کامل محرمانگی و افشای کامل اطلاعات» بود بلکه آنچه سودمندی بیشتری دارد، «ثبت و امکان دسترسی به اطلاعات» در شرایط خاص و اضطراری است.

ابهامی که وجود دارد این است که معمولاً اهداکنندگان با اهدای گامت و جنین اساساً به دنبال ایجاد مسئولیت و تکلیف قانونی طفل متولد نبوده‌اند. اما پرسش اساسی این است که آیا به لحاظ شرعی و قانونی، طفل متولد از تلقیح مصنوعی به صرف تفاوت در نحوه‌ی تولد، از حقوق شرعی و قانونی خود محروم است؟ و آیا با استناد به اینکه والدین حقیقی، از اهدای گامت و جنین، افزایش تکلیف خویش را نمی‌خواسته‌اند، می‌توان حقوق مختلف طفل را نادیده گرفت؟ قطعاً با توجه به حکم اولیه‌ی قطعی فقهی و قانونی، طفل به والدین حقیقی ملحق است، هرچند قصدی برای تولد نداشته‌اند، همان‌گونه که ممکن است خیلی از مواقع، زوجین در مقاربت جنسی خویش، قصدی برای تولد و تناسل ندارند اما طفل متولد از این فرآیند، بی‌تردید به آن‌ها ملحق بوده و دارای حقوق کامل مانند سایر اطفال است.

از آنجا که شاید بزرگترین نگرانی والدین حقیقی از مراجعه طفل، تکالیف مالی از جمله نفقه و ارث باشد، برای جمع میان حقوق طفل و والدین حقیقی، می‌توان دولت یا بیمه‌ها را در صورت مراجعه طفل به اهداکنندگان، به تأمین بخشی از این هزینه‌ها موظف نمود. پرداخت حق بیمه را هم باید به پذیرندگان الزام نمود تا در صورتی که توان سرپرستی طفل را از دست دادند، هزینه‌ها از محل این پرداخت، تأمین گردد. در مورد حق ارث‌بری کودک نیز می‌بایستی همانند قوانین مربوط به فرزندخواندگی، پذیرندگان را ملزم به تملیک مالی برای طفل نمود. فراموشی و به حاشیه بردن نیازهای مادی، معنوی

۸. سهم نویسندگان

در این پژوهش جناب آقای دکتر محمد صحرائی اردکانی، نویسنده مسئول، و سایر نگارندگان همکار و همراه ایشان بوده‌اند.

۹. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

و هویتی کودک، زیر تأثیر تکالیفی همچون ارث و نفقه، خلاف انصاف و عدالت و روح حاکم بر شریعت است.

لازم است در قانون پیش‌بینی شود که مددکاران اجتماعی دائماً وضعیت افراد متولد را به لحاظ کیفیت سرپرستی و ازدواج احتمالی با محارم کنترل کنند و در صورت لزوم، با گزارش مددکاران و پیشنهاد دادستان و تصمیم دادگاه امکان دسترسی به اطلاعات فراهم باشد.

۶. نتیجه‌گیری

بر اساس پژوهش حاضر، اگر چه ثبت یا عدم ثبت اطلاعات اهدای گامت و جنین همچنان محل مناقشه‌ی صاحب‌نظران است و نظام‌های حقوقی نیز رویه‌ی یکسانی ندارند، اما تحولات سال‌های اخیر نشان می‌دهد که ثبت و امکان دسترسی به اطلاعات، طرفداران بیشتری میان صاحب‌نظران پیدا کرده و رفته‌رفته نظام‌های حقوقی بیشتری در جهت الزامی کردن ثبت اطلاعات گام برداشته‌اند. با بررسی اهم ادله‌ی موافقان و مخالفان این امر و نیز توجه به ضرورت‌های پزشکی، مشخص می‌شود که عقلاً ثبت و امکان دسترسی به اطلاعات ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. همچنین، با بررسی قواعد و موازین فقه اسلام از جمله لزوم حفظ حقوق فطری مبتنی بر نسب مانند ولایت، محرمیت، تربیت، حضانت، نفقه و ارث، همچنین ضرورت احتیاط در فروج، جلوگیری از اختلاط انساب و ازدواج محارم و نیز لزوم موافقت قطعی با مقاصد شارع، ثابت می‌شود که ثبت و امکان دسترسی به اطلاعات اهدای گامت و جنین شرعاً لازم می‌باشد و از آنجا که برابر اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تمامی قوانین می‌بایستی منطبق با ضوابط شرعی باشد، لذا اصلاح قانون نحوه‌ی اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲ و آئین‌نامه‌ی اجرایی آن اجتناب‌ناپذیر است.

۷. تشکر و قدردانی

از همه عزیزانی که در به ثمر رسیدن این پژوهش یاری‌رسان نگارندگان بوده‌اند، به ویژه از استاد ارجمند، هم‌دل و بزرگوار، جناب آقای دکتر محمود عباسی، سپاسگزاری می‌کنیم.

References:

1. Spirov L. Clinical Gynecologic Endocrinology and Infertility. 8 ed. Tehran: Arjmand publications; 2016.
2. Law on how to donate embryos to infertile couples approved in 2003 and its executive regulations, Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/93943>. (Persian).
3. The Constitution of the Islamic Republic of Iran, Available at: <https://www.shora-gc.ir/en/news/87/constitution-of-the-islamic-republic-of-iran-full-text>. (Persian).
4. Barikloo A. Jurisprudential Review of in Vitro Fertilization Law. *Journal of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law*. 2013;46(2):8. (Persian).
5. Masjedsaraie H, Nazari A. Analysis of Inheritance of Fetus Produced through Modern Fertility Techniques. *Iranian Journal of Medical Law*. 2017;11(41):57-79. (Persian).
6. Schwenzer I. Tensions between Legal, Biological and Social Conceptions of Parentage. Oxford: Intersentia; 2007.
7. De Sutter P. Anonymous donation of sperm and oocytes, donors and children. Committee on Social Affairs, Health and Sustainable Development of Council Of Europe. 2018:1-4.
8. Amorós EF. Donor anonymity, or the right to know one's origins? *Catalan Social Sciences Review*. 2015;(5):2-6.
9. Nelson MK, Hertz R, Kramer W. Gamete donor anonymity and limits on numbers of offspring: the views of three stakeholders. *Journal of Law and the Biosciences*. 2016;3(1):39-67.
10. Gruben V, Cameron A. Donor Anonymity in Canada: Assessing the Obstacles to Openness and Considering a Way Forward. *Alberta Law Review*. 2017;54:674.
11. European Society Of Human Reproduction And Embryology. Europe moves towards complete statutory regulation of ART. 2020.
12. Turkmendag Brunsnes I. The removal of donor anonymity in the UK: the silencing of claims by would-be parents: University of Nottingham; 2009.
13. Cohen IG. Sperm and Egg Donor Anonymity: Legal and Ethical Issues. The Oxford Handbook of Reproductive Ethics; 2015.
14. International Convention on the Rights of the Child Available at: <https://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/crc.aspx>.
15. Safaei SH. The Inadequacies of the Iranian Law on Donation of Gametes and Embryos According to Comparative Law. *Payesh Quarterly*. 2007;(4):325. (Persian).
16. Tabatabai M. Tafsir al-Mizan. 5th ed. Qom: Islamic Publications Office of the Society of Teachers of the Seminary of Qom; 1996. (Arabic).
17. Helli J. Sharia of Islam in the issues of Halal and Haram. Tehran: published by Sadegh Shirazi; 1988. (Arabic).
18. Shahid Thani. Al-Rawda al-bahiyya fi sharh al-lum'at al-Dimashqiyya. Beirut: Mohammadh Kalantar publications; 1983. (Arabic).
19. Rasekh M, Ameri F, Behjati Ardakani Z. Evolution of the concept of lineage in the light of new technologies of infertility treatment. *Iranian Journal of Medical Ethics and Medicine History*. 2016;9(2):54. (Persian).
20. Mousavi Bojnourdi SM, Mohammadkhani M. A study of the legal status of a child born from a surrogate mother with an approach based on the opinion of Imam Khomeini. *Matin Research Journal*. 1995;18(72):47-74. (Persian).
21. Helli IF. Al-Muhdhib al-Bar'i fi Sharh al-Mukhtasar al-Nafi. *Islamic publications office*. 1987;4:326. (Arabic).
22. Roshan M, Hamdi H. The sublime interests of the child in Iranian law and jurisprudence and the Convention of the Rights of the Child. *Child Rights Quarterly*. 2019;1(1):13. (Persian).
23. Najafi MH. Jawahir al-Kalam in the explanation of Islamic law. 7th ed. Beirut: Dar al-Ihyaa al-Torath al-Arabi; 1984. (Arabic).
24. Makarem Shirazi N. Nemuneh Interpretation of the Quran. Tehran: Islamic Library, Dar al-Kitab al-Islamiyyah; 1995. (Persian).
25. Family marriage risks Available at: <https://cytogenome.ir/articles>. (Persian).
26. Shahid Aval. Rules and Benefits. 1st ed. Qom: Mofid bookstore; 1980. (Arabic).
27. Haidari AN. Principles of Inference. 1st ed. Qom: The Seminary Management Committee; 1999. (Arabic).
28. Motahari M. Collection of Works. 1st ed. Qom: Islamic Law. (Persian).

29. Fazel Lankarani M. Izaah al-Kifaya. Qom: Nooh; 2006. (Arabic).
30. Ansari M. Faraid al-Osul. 5th ed. Qom: Islamic Publications Office; 1995. (Arabic).
31. Akhund Khorasani MK. Kifayat al-Osul. 1st ed. Qom: The Foundation for the Revival of Islamic Heritage; 1988. (Arabic).



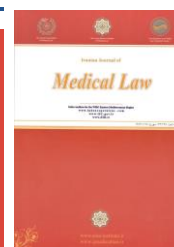
The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal

2021; 15(56): e53

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

Recognition of religious necessities of registration and access to gamete and embryo donation information

Mohammad Sahraei Ardakani^{1*}, Hossein Khodayar², Marziyeh Honarvar³

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Humanities and Social Sciences, Ardakan University, Ardakan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Sistan and Baluchestan University, Zahedan, Iran.

3. Graduated from Master of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Humanities and Social Sciences, Ardakan University, Ardakan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 3 May 2021

Accepted: 25 September 2021

Published online: 30 October 2021

Keywords:

Information Registration

Gamete Donation

Embryo Donation

Infertility

Jurisprudence

ABSTRACT

Background and Aim: In today's world, with the advancement of science, it is possible to fertilize infertile couples by using different methods. Some of these methods are carried out with the intervention of a person or persons other than the couple and through the donation of gametes (sperm or eggs) and the fetus. In the past, in various legal systems, this donation has been done anonymously and confidentially, and the registration or anonymity of the information of this donation has been disputed by medical and legal experts. The laws of many countries today tend to require the registration of information and access to it, but the rules of the Iranian legal system in this area, in addition to being ambiguous and having shortcomings, tend to favor anonymity.

Materials and Methods: This paper has been compiled with an analytical approach, adopted a documentary method and drew on library resources.

Results: This study, by examining the evolution of the legal systems of countries in this field and also examining the main arguments of proponents and opponents of information registration, has rationally proved the necessity of information registration and access to it.

Ethical considerations: The whole article has been compiled by adhering to the ethical principle of honesty and observing the principle of fidelity.

Conclusion: Based on the criteria of Islamic jurisprudence, including the need to preserve natural rights based on lineage, the need for caution in observing sexual limits and preventing the intermixing of genealogical lines, and the need to agree with the intention of the Shari'a, this study has concluded that religion requires information registration in order to protect the rights of the child born in urgent cases. Therefore, a fundamental revision of domestic regulations is inevitable.

* Corresponding Author:

Mohammad Sahraei Ardakani

Address: Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Humanities and Social Sciences, Ardakan University, Ardakan, Iran.

Postal Code: 89518-95491

Telephone: 35-33900000

Email: h.khodayar@theo.usb.ac.ir

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Sahraei Ardakani M, Khodayar H, Honarvar M. Recognition of religious necessities of registration and access to gamete and embryo donation information. *Medical Law Journal* 2021; 15(56): e53.